

تفاوت طلاق و فسخ نکاح



عکس: [Lis Ferla](#)

وکیل دادگستری - محمد اولیایی فرد

موضوع جلسه ای بود که با نرگس و خانواده اش داشتم. ناتوانی جنسی شوهر منجر به بروز خشونت خانگی از نوع خشونت در هم بستری پدر نرگس ترجیح داد که در بیرون اتاق مشاوره به انتظار بنشیند تا دخترش در کنار مادر، به راحتی ماجرای زندگی خود را تعریف کند. به نرگس گفتم موضوع را به طور کامل برایم تعریف کند، نرگس گفت: موضوع ازدواج من و پسر عمویم حسن از بچگی مطرح بود، عمویم زن عمو هم می گفت نرگس همیشه در جمع فامیلی می گفت عقد پسر عمو و دختر عمو را در آسمان ها بسته اند و به دنبال حرف او، عروس خودم است. اما موضوع ازدواج من و حسن از زمانی که دیپلم گرفتم جدی شد زیرا در این زمان و به اصرار خانواده عمویم و موافقت پدرم مراسم خواستگاری برگزار شد.

در روز خواستگاری کلیه شرایط مرا برای داشتن منزل مستقل و ادامه مادرم تمایلی به این ازدواج نداشت اما پدرم موافق بود، حسن هم پذیرفت به همین جهت من هم به این ازدواج رضایت دادم، تاریخ عقد و عروسی مشخص شد و من ظرف مدت کوتاهی تحصیل و اشتغال به خانه بخت رفتم، در روزهای آغازین زندگی مشترک روابط جنسی حسن با من فقط از طریق ملامحه و ملامسه بود با ادامه این روند از حسن خواستم که به روابط جنسیمان اهمیت بیشتری بدهد به صورتی که رابطه جنسی کامل تر و جدی تری با یکدیگر داشته باشیم، حسن با انواع و اقسام لوازم مثل دسته برس برای به هم پذیرفت اما اشکال اینجا بود که حسن در رابطه جنسی با من سعی می کرد با دست یا ارگاسم رساندن من استفاده کند، چون آلت تناسلی او به هیچ وجه تحریک نمی شد، واژن من هم به خاطر فرو رفتن این لوازم جراحی با اعتراض های شدید من، حسن تصمیم به معالجه گرفت اما به گفته شدیدی دیده بود و ادامه این وضع برایم غیر ممکن بود به این لحاظ پزشکان امکان معالجه وجود نداشت به همین جهت در نهایت ناگزیر شدم، زندگی مشترک را ترک کنم و به نزد خانواده ام برگردم، حالا طلاق بگیرم آیا غیر از طلاق راه از شما می خواهم که کمک کنید و بگوئید در حال حاضر در چه وضعیت حقوقی قرار دارم آیا می توانم دیگری وجود دارد؟ به نرگس گفتم، عقد نکاح موجب پیوند و ایجاد زوجیت بین زن و مرد می شود ولی عامل قهری و غیرارادی مرگ هر یک از زوجین و نیز عوامل ارادی طلاق و فسخ نکاح و بذل مدت در عقد انقطاع، موجب انحلال عقد نکاح و گسستن زوجیت می گردد. (ماده 1120 قانون مدنی) نرگس گفت تفاوت طلاق با فسخ نکاح در چیست؟ گفتم تفاوت طلاق با فسخ نکاح عبارت است از:

- 1- طلاق مخصوص نکاح دائم است ولی موارد فسخ نکاح در نکاح دائم و نکاح منقطع یکسان است (مواد 1152 و 1153 قانون مدنی)
- 2- طلاق عمل حقوقی يك جانبه (ایقاع) است که به وسیله شوهر یا نماینده قانونی او انجام می شود در حالی که فسخ ممکن است به وسیله شوهر یا زن واقع شود.
- 3- پیش از وقوع طلاق باید از دادگاه حکم یا اذن گرفته شده ولی فسخ نکاح نیاز به این اقدام ندارد و رسیدگی دادگاه محدود به احراز وجود حق فسخ است و تکلیفی در باب اصلاح زوجین و ارجاع به داوری ندارد.
- 4- عدم ثبت ان دارای محکومیت تا یک سال حبس تعزیری می باشد. این در حالی است که قانون نسبت به عدم ثبت طلاق و رجوع فسخ نکاح سکوت کرده است.

5- طلاق نیازمند تشریفات خاص است، به همین جهت اجرای صیغه مخصوص و حضور دو شاهد عادل (مرد) از ضروریات طلاق می باشد ولی فسخ نکاح تنها به اراده صاحب حق انجام می پذیرد. (ماده 1132 قانون مدنی)

6- جسمی در زن ضروری می باشد ولی به موجب ماده 1132 قانون مدنی رعایت این ترتیب در فسخ برای انجام طلاق شرایط خاص نکاح شرط نیست. به همین سبب فسخ نکاح در دوران عادت زنانگی و نفاس زن ممکن است. در حالی که طلاق زن در این دوران درست نیست. (ماده 1140 قانون مدنی)

7- در طلاق رجعی شوهر می تواند در زمان عده به نکاح رجوع کند، اما در فسخ نکاح امکان رجوع وجود ندارد و تشکیل دوباره خانواده جز با نکاح جدید ممکن نیست.

8- در زمان عده طلاق رجعی، نفقه بر عهده شوهر است مگر این که طلاق در حال نشوز واقع شده باشد لیکن اگر عده از جهت فسخ نکاح و یا طلاق بائن باشد زن حق نفقه ندارد مگر در صورت حمل از شوهر خود. (ماده 1109 قانون مدنی)

9- در صورتی که مرد پیش از نزدیکی زن خود را طلاق دهد، زن مستحق نصف مهریه است (ماده 1092 قانون مدنی) ولی هرگاه عقد نکاح به جهتی قبل از نزدیکی فسخ شود، زن حق مهریه ندارد، مگر در صورتی که موجب فسخ، ناتوانی جنسی مرد (عین) باشد که زن مستحق نصف مهریه است.

10- حرمت بوجود می آید. طلاق بائن فسخ نکاح هرچند بار که بین زن و مرد اتفاق افتد ایجاد حرمت نمی کند ولی با انجام

البته بین فسخ نکاح و طلاق مشترکاتی هم وجود دارد که عبارت است از:

1- هر دو به رابطه زوجیت خاتمه می دهند-

2- عده زن در هر دو یکسان است-

3- البته در طلاق ایقاع برای مرد است ولی در فسخ نکاح برای هر دو ایقاع اند-

و وجوه اشتراک آنها ارائه کردم مادر نرگس رو به من کرد و گفت اساسا بعد از توضیحاتی که در خصوص تفاوت طلاق با فسخ نکاح فسخ نکاح در چه مواردی است؟

پاسخ دادم: در عقد نکاح برخلاف سایر عقود لازم دیگر طرفین حق تعیین شرایط فسخ را ندارند زیرا قانونگذار به جهت حفظ کیان خانواده موارد فسخ نکاح را تعیین و در قانون احصاء نموده، موارد فسخ نکاح عبارت است از:

هر گاه در یکی از طرفین صفت خاصی شرط شده و بعد از عقد معلوم شود که طرف "قانون مدنی مقرر می دارد: 1128 تدلیس: ماده - 1 "..... مذکور فاقد وصف مقصوده بوده برای طرف مقابل حق فسخ خواهد بود

توسل به عملیات یا اعمال متقلبانه، نقص خود را کتمان نموده باشد و یا خود را دارای تدلیس در عقد نکاح، یعنی یکی از طرفین با صفات عالیه معرفی می نماید که در اصل فاقد آن صفات بوده باشد. طبق قانون مجازات اسلامی، مجازات تدلیس کننده از 6 ماه تا دو سال حبس و جبران خسارت وارده است و البته حتی اگر متضرر از حق فسخ خود استفاده نکند، حق جبران خسارت برای او محفوظ خواهد بود

عیوب موجب حق فسخ نکاح بر سه قسم است: عیوب - 2

نام برده شده، برطبق ماده 1121 قانون به عنوان عیب مشترک زن و مرد "جنون" تنها از در قانون عیوب مشترک زن و مرد: - الف «جنون هر يك از زوجین به شرط استقرار، اعم از این که مستمر یا ادواری باشد، برای طرف مقابل موجب حق فسخ است.» مدنی،

قانون مدنی عیوب مختص مرد مشخص گردیده طبق قانون هرگاه مرد به دلیل این عیوب ناتوان 1122 عیوب مختص مرد: در ماده - ب از انجام عمل زناشویی باشد قانون به زن حق می هد که عقد نکاح را فسخ کند این عیوب عبارتند از:

1- به شرط آن که بعد از گذشتن مدت یک سال از تاریخ رجوع زن به حاکم، رفع نشود (ناتوانی جنسی مرد) - عین: - 1

2- (اخته شدن مرد) : خصاء - 2

3- . مقطوع بودن آلت تناسلی - 3

قانون مدنی عبارتند از: 1123 عیوب مختص زن: عیوب مختص زن طبق ماده - ج

- 1- قرن: (استخوانی در دستگاه تناسلی زن که مانع انجام نزدیکی می شود)
- 2- (صعب العلاج نوعی بیماری نادر و (جذام: -
- 3- لکه های سفید یا سیاهی که در بدن زن ظاهر می گردد) برص: -
- 4- (اخته شدن زن) اخضاء: -
- 5- زمین گیری -
- 6- نابینایی از دو چشم. -

این عیوب در صورتی برای مرد حق فسخ ایجاد می کند که هنگام عقد موجود باشد و مرد بدون توجه به آنها با زن ازدواج کرده باشد. (مواد 1124 و 1126 قانون مدنی)

سپس نرگس پرسید: زمان آگاهی از این امراض برای اعمال حق فسخ به چه صورت است؟ و اگر این امراض بعد از عقد حادث شد تکلیف چیست؟ و آیا در اعمال اختیار فسخ فوریتی وجود دارد؟ پاسخ دادم:

هریک از زوجین که قبل " اولاً: در مورد زمان آگاهی از این امراض برای اعمال حق فسخ نکاح ماده 1126 قانون مدنی مقرر کرده است: " از عقد عالم به امراض مذکوره در طرف دیگر بود بعد از عقد حق فسخ نخواهد داشت.

جنون و عنن در مرد هرگاه بعد از عقد هم حادث " ثانیاً: در خصوص حدوث عارضه بعد از عقد نکاح ماده 1125 قانون مدنی مقرر می دارد: " شود موجب حق فسخ برای زن خواهد بود.

در سایر موارد اختیار فسخ یعنی همان ثالثاً: در خصوص مهلت اعمال اختیار فسخ باید گفت، به غیر از عارضه عنن (ناتوانی جنسی مرد) اختیار برهم زدن نکاح فوری است و اگر طرفی که حق فسخ دارد بعد از اطلاع و به محض آن، نکاح را فسخ نکند اختیار او در فسخ و بر ساقط می شود، به شرط آن که علم به حق فسخ و فوریت آن داشته باشد. البته تشخیص مدتی که برای امکان استفاده از هم زدن نکاح اختیار فسخ لازم بوده به نظر عرف و عادت است. (ماده 1131 قانون مدنی) همچنین اختیار فسخ نکاح قابل اسقاط است. (ماده 448 قانون مدنی) بنابراین تنها استثناء بر موضوع فوریت اختیار فسخ مربوط به عارضه عنن (ناتوانی جنسی مرد) است، در این حالت زن می تواند یا به دادگاه مراجعه کند یا بعد از یک سال ، در صورت عدم درمان، دادگاه می تواند به مرد قضیه فسخ نکاح را اعلام کند.

نرگس پرسید: اکنون ما برای فسخ نکاح چه اقداماتی باید بکنیم، پاسخ دادم: ما می توانیم به استناد بند 1 ماده 1122 قانون مدنی و تقاضای ارجاع امر به پزشکی قانونی برای اثبات ادعا، دادخواستی جهت فسخ نکاح تقدیم دادگاه بکنیم، در نهایت با قبول موضوع از در این پرونده به عمل آوردم. طرف نرگس و خانواده اش اقدامات لازم برای فسخ نکاح